

جمال زارعی

پرواز با حافظ

سرخ‌سور و شوق عرفانی
در پارهای از غزل‌های حافظ

بر اساس نسخه علامه قزوینی و نشر قاسم غنی



سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور:
 زارعی، جمال ۱۳۲۳.
 پرواز با حافظ / شرح شور و شوق عرفانی در
 پاره‌ای از غزل‌های حافظ / جمال زارعی
 تهران: جامی، ۱۳۹۶.
 ۲۸۰ ص.
 شابک: 978-600-176-180-5
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، ۷۹۲ق.
 موضوع: دیوان -- نقد و تفسیر.
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۸. تاریخ و نقد
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ پ ۴ ز ۵۴۳۵ PIR
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۳۲ / ۱۸۱
 شماره کتابخانه ملی: ۵۰۵۳۶۱۶



با همکاری



خیابان دانشگاه، چهارراه رحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۶۴۰۰۸۵۱

www.Jamipub.com info@jamipub.com

پرواز با حافظ

شرح شور و شوق عرفانی در پاره‌ای از غزل‌های حافظ

جمال زارعی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۰۰ جلد

چاپ: نیل

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۷۶ - ۱۸۰ - ۵

ISBN: 978 - 600 - 176 - 180 - 5

۳۴۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یاد آوری
۲۵	پیش‌فتار
۲۹	۱. آلا یا بها الیافی ادر کاساً و ناولها
۳۴	۲. صبا به لطف بحر آن غزال رعنا را
۳۸	۳. ساقی به نور به برافرازم جام ما
۴۲	۴. صلاح کار کجا و من خراب کجا
۴۵	۵. آن شب قدری که گویند اهل حلوت امشب است
۴۸	۶. سینه از آتش دل در غم جانانه بسوزد
۵۱	۷. ای نسیم صحر آرامگه یار کجاست
۵۵	۸. مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من ماست
۵۸	۹. زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
۶۱	۱۰. چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
۶۶	۱۱. به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست
۶۸	۱۲. خلوت گزیده را به تماشا چه حاجتست
۷۳	۱۳. رواق منظر چشم من آشیانه توست
۷۷	۱۴. بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
۸۲	۱۵. هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم
۸۵	۱۶. حال دل با تو گفتم هوس است
۸۷	۱۷. گل در بر و می در کف و معشوق به کامست

۹۱. صوفی از پرتو می راز نهانی دانست
۹۵. روزگاریست که سودای بتان دین من است
۹۹. منم که گوشه میخانه خانقاه من است
۱۰۲. سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
۱۰۶. خم زلف تو دام کفر و دین است
۱۰۹. راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست
۱۱۳. نال بلبل اگر با منت سر یاری ست
۱۱۸. سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
۱۲۳. سر بلبل نکایت با صبا کرد
۱۲۶. خوش است خورشید اگر یار یار من باشد
۱۲۸. در ازل پر و خاست جلی دم زد
۱۳۲. گداخت جان که شد کار دل تمام و نشد
۱۳۶. دوش وقت سحر از غصه ناتمام دادند
۱۴۰. دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
۱۴۲. آنان که خاک را به نظر کیمیا کردند
۱۴۶. گوهر مخزن اسرار همانست که بود
۱۴۹. صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار
۱۵۲. به کوی میکده یا رب سحر چه مشغله بود
۱۵۷. دلم رمیده لولی و شیت شورانگیز
۱۶۱. گلعداری ز گلستان جهان ما را بس
۱۶۵. باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
۱۶۸. چو بر شکست صبا زلف عنبرافشانش
۱۷۲. سحر به بوی گلستان دمی شدم در باغ
۱۷۵. فاش می گویم و از گفته خود دلشادم
۱۷۸. خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم
۱۸۲. تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحر

۱۸۶. ۴۴. مزده وصل تو کوکز سر جان برخیزم
۱۹۰. ۴۵. حجاب چهره جان می شود غبار تنم
۱۹۳. ۴۶. در خرابات مغان نور خدا می بینم
۱۹۷. ۴۷. بارها گفته ام و بار دیگر می گویم
۲۰۱. ۴۸. سرم خوش است و به بانگ بلند می گویم
۲۰۵. ۴۹. ما نگوئیم بدو میل به ناحق نکنیم
۲۰۸. ۵۰. ما بیدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم
۲۱۲. ۵۱. به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم
۲۱۷. ۵۲. بیا تا تل بر نشییم و می در ساغر اندازیم
۲۲۱. ۵۳. بالابت سوه گر نقش باز من
۲۲۶. ۵۴. فاتحه ای پس آملی بر سر خسته ای بخوان
۲۲۹. ۵۵. خدا را کم نشین با خرفه به شان
۲۳۲. ۵۶. چو گل هر دم به بوی جانم رتن
۲۳۵. ۵۷. دانی که چیست دولت دیدار یار ییدن
۲۳۹. ۵۸. ای روی ماه منظر تو بهار حسن
۲۴۲. ۵۹. گفتا برون شدی به تماشای ماه نو
۲۴۵. ۶۰. مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
۲۴۸. ۶۱. تاب بنفشه می دهد طره مشکسای تو
۲۵۲. ۶۲. دوش رفتم به در میکده خواب آلوده
۲۵۶. ۶۳. ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی
۲۵۹. ۶۴. طفیل هستی عشق اند آدمی و پری
۲۶۲. ۶۵. سحر با باد می گفتم حدیث آرزو مندی
۲۶۶. ۶۶. صبا تو نکهت آن زلف مشکبو داری
۲۷۰. ۶۷. که برد به نزد شاهان ز من گدا پیامی
۲۷۴. ۶۸. ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی
۲۸۰. ۶۹. نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی